



چنين و چنان

این دو کلمه که بنا به تقسیم‌بندی دستور جدید زبان فارسی، قید و فعل شمرده میشود و افادهٔ معنی مانند یا نظیر این و آن را میکند بر چند صورت در سیاق جمله‌بندی به کار میرود. چنين و چنان - چونين و چونان - همچنين و همچنان که از روی مقایسه و رجوع به اصل آنها معلوم میشود از ترکیب (چون) ادات تشبیه با (این و آن) اسم اشاره و به علاوه (هم) قید تکرار بدین صورت‌ها درآمده‌اند.

تصور نمی‌کنم در تجزیهٔ آنها به اصول لغوی اختلاف نظری میان زبان‌شناسان وجود داشته باشد و تنها اختلاف موجود در کیفیت حرکت حرف اول کلمه است که برخی به اعتبار اصل کلمه چون آن مخفف آنرا هم چنان میگویند.

عوام الناس ایران بخصوص در قلمرو دیرینه استعمال کلمه‌های گوناگون زبان پهلوی به مناسبت چگونگی نظیر پهلوی چون و تخفیف همچنین به صورت همچین و همچی بر وزن سنگین و سنگی از حرکت چ همچنین و همچی برای بیان حرکت چ چنان هم استفاده کرده و چنان را به بروزن نشان تلفظ میکنند.

دستهٔ سوم کسانی بوده‌اند که از اصل معروف صرف عربی «فتحه اخف حرکات است» پیروی کرده‌اند و آن دورا به صورت چنان و چنين بروزن زمان و زمین بر زبان می‌آورند. آنچه که گاهی بر زبان برخی از فضلاء متأخر میرفته همین صورت سوم بوده که در حقیقت نتیجهٔ اعمال نظر در تلفظ کلمه‌ای بوده که میان صورت لفظ اصولی آن بالفظ عوام اختلاف حرکت وجود داشته و برای رفع این اختلاف، شق سومی را اختیار کرده بوده‌اند.

* آقای استاد محمد محیط طباطبائی از محققان و پژوهندگان طراز اول کشور

و چنان و چنین را بر وزن مکان و مکین گفته‌اند . مسلم است که فقدان ضبط حرکات در املا، مادی خطا فارسی به این تفاوت صدا کمک می‌کند ولی در فرهنگهای فارسی که معمولاً مورد استشهاد قرار می‌گیرند به حرکت آنها صریحاً اشاره رفته و مثلاً برهان قاطع چنین نوشته است : (چنان به فتح اول بر وزن مکان نام موضعی است و به معنی کوشیدن هم هست و به ضم اول مخفف چون آن و چوان)

اما چنین را در مورد خود ذکر نکرده بلکه ضمن کلمه چوین آن را چنین یاد میکند : (چوین بر وزن زوین به معنی چنین باشد) .

در مورد چوان هم بدینسان توضیح میدهد: (چوان بر وزن یوان به معنی چنان و همچنان و همچون آن باشد) که از مقایسه با موارد دیگر میتوان دریافت که به جای (همچون آن) (همچو آن) را به خطا نهاده است .

چنانکه مینگریم در برهان قاطع که تألیفش قریب دوست سال بر تألیف غیاث اللغات مقدم است ضبط (ج) در (چنین) و (چنان) و (همچنین) و (همچنان) را مانند (چوان) و (چوین) به حرکت ضمه قید کرده است .

مرآجه به سایر کتابهای لغوی نیز مؤید همین شکل مهود است و بنا بر این از اهمیت اعلام تأکید « تلفظ عموم قدما به همین وجه رایج » (یعنی چ مکسور) فوق العاده کاسته میشود و تصریح غیاث اللغات در (چنین) که این کلمه مخفف از (چون این) است برای تأیید قول صاحب برهان خود دلیلی متقن تلقی میشود که اشاره او به تلفظ عوام ولایت ایران به کسره (ج) ، نمیتواند در محت تلفظ منصوص مثنوی لغوی فتوری به وجود آورد و لفظ عوام را بر ضبط خواص ترجیح بدهد .

درین صورت برای فارسی گوی متتبع در مقابل این سه صورت لفظی ، رجوع به اصل و مراعات ضبط اهل لغت ، بر پیروی از لفظ عوام ترجیح دارد و به فرض اینکه در دستگاههای صوتی مکسور (چنین) و (چنان) به نهمه (ج) گفته شود نباید آنرا زشت و نادرست معرفی کرد . بخصوص که اختلاف حرکت (ج) در زبان فارسی اختصاص به همین دو لفظ ندارد و ریشه لغوی عمیق و قابل ملاحظه‌ای دارد .

(چه) را که صورت های غیر محفوظ آن مظهر حرکت (ج) به صورت مکسور است در فرهنگ برهان چنین تعریف کرده است : (به کسر اول و خفای ثانی ، لفظی است که در محل ترجیح و در مقام استفسار استعمال کنند و جهت تعلیل نیز آمده است)

تأثیر پهلوی آن (چی) و (چه) است که در ترکیبات فارسی دری هم راه یافته و (چوست) و (چیستان) را در کنار (جرا) و (چسان) و (چبود) مجال استعمال داده است .

اما تأثیر (چو) که در فرهنگ فارسی دری « به ضم اول و سکون ثانی مجهول مرادف چوان و به معنی مانند و هنگام و شرط و طلب حجت باشد » در زبان پهلوی کلمه‌ای بدین کیفیت شمول نداریم و (چیکون) و (چگون) با آن میتواند برابری کند ، بدین سان میتوان (چو) را مخفف (چون) و (چون) را نظیر (چگون) شمرد .

اشترک (ج) مکسور در میان دو نظیر پهلوی (چه) و (چگون) چنانکه قبلا هم بدان اشاره رفت ، در فارسی لهجه‌های محلی عراق که متأثر به زبان پهلوی شده‌اند تمایل به کسر

(چه) برای (چنین) و (چنان) مسبوق به سابقه‌ای بومی بوده و (همچنین) و (همچنین) به جای (همچنین) مؤید دیگر این معنی است.

مسلماً است برای یکسان کردن تلفظ‌های مختلف که پیوسته مورد نظر صاحب نظران قرار می‌گیرد و هر کدام به سبب خاصی که بیشتر با عادت نخستین محلی ایشان ارتباط پیدا میکنند انتظار دارند دیگران به ترك تلفظ معمول خود پردازند و از صورت لفظی مورد قبول نظر ایشان پیروی کنند، باید کوششی اصولی و مبتنی بر قواعد و ضوابطی به کار برد و به این اختلافها خاتمه بخشید و بار زحمت استدلال عقلی را در جرح و تعدیل یا ترجیح و تفنیل موارد نقلی از دوش علاقه‌مندان برگرفت، اما پیش از آنکه چنین اهمیتی در رفع اختلافها و توحید تلفظها در مقیاس عمومی به کار برود و به نتیجه مطلوب برسد نباید نظر دیگران را به سرف استحسان و یا استقباح، رد کرد و همه را ملزم به ملازمت تلفظ مقبول و معمول خود نمود.

تصور میکنم اگر موضوع خوش آمد و بد آمد گوش را بخواهیم میزان تشخیص صحت و سقم اصوات و حرکت در کلمات اختیار کنیم باید پیه این مشکل را بر بدن مالید که به شماره افراد صاحب گوش و به درجه دقت و حساسیت نیروی سامعه آنها، اشخاص صاحب نظر خاص در تشخیص الفاظ روا از ناروا خواهیم داشت. چه اگر کسی برخلاف مشهور و بر اساس تلقین سماع خود مثلاً کسره را اخف حرکات فارسی دانست ناگزیر دیگری هم در میان وضع و حالت خاص خروج برخی اصوات از مخارج خود در دهان با حرکات متناسب و مقتضی آنها میتواند رابطه برقرار کند و قرصاً حرکت ضمه را به طبیعت حروف س و ش و ژ و ج، مناسب تر از کسره و فتحه بنگرد.

ممکن است ذوق عامه به مرور زمان در کلمه‌های زبانی حرکات را تغییر بدهد و حروف را قلب و بدل و احیاناً حذف نماید، اما پیش از آن که این صورتها قالب لفظ مصطلح و مستعمل و مضبوط و مقبول عمومی پیدا کند بر نظائر خود که پیش دسته دیگری از عوام رواج دارد، مزیتی نخواهد داشت.

پیش از آنکه همت فارسی‌دانان زبردست و زبان‌شناس کار تشخیص درست و نادرست را در کلمات بصورتی دانا پسند و مورد قبول فارسی‌دانان درست گو و درست نویس برگزیده در آورد و این هرج و مرج مبتنی بر کیفیت لهجه و عادت و استحسان در تلفظ کلمات باقی باشد، تصور میکنم بهترین صورتی که برای تشخیص صحیح از غلط قابل قبول و عمل باشد همانا مراجعه به متون فرهنگ معتبر و استفاده از موازین دقیق زبان‌شناسی خواهد بود.

بنابراین چنین و چنان را به پیروی از ضبط لغت و اصول زبان‌شناسی باید به ضم ج تلفظ کرد و در انتظار آن نشست که روزی دستور القولی یا دستور العملی اداری صادر شود و استعمال صورت دلخواهی را الزامی معرفی کند.

در چنین صورتی این مشکل از چنین و چنان هم مانند ترابری نوساز که هنوز حرکات ت و ب یعنی دو حرف اصلی آن از زیر و زبر و پیش، درست مشخص نشده است، بر نای باریک قلم نویسندگان که سرموئی بزحمت از آن میتواند بگذرد، به آسانی خواهد گذشت و تهرأ به کسی مجال چون و چرا نخواهد داد که به جای تأکید و تأکید اینگونه فواید و منافع، در دسر تولید کند.